

## " نوروز : میراثی فرهنگی و نماد همبستگی در گستره جهانی "



دکتر بصیر کامجو

21 مارچ 2025

نوروز، این کهن جشن جاودانه، نه تنها یک آیین ملی، بلکه میراثی فراتاریخی و بینافرهنگی است که مرزهای جغرافیایی را درنور دیده و به پیوندی میان ملل مبدل شده است. همزمان با شکوفایی طبیعت، نوروز تجدید حیات را در بخش‌های فردی، اجتماعی و هستی‌شناسانه بازتاب می‌دهد و انسان را به بازاندیشی در پیوند خویش با زمان، طبیعت و دیگری فرامی‌خواند. از فلات ایران تا آسیای مرکزی، از بالکان تا چین و از نیم قاره هند تا اروپا و آمریکا، این جشن باستانی پژوهی از خرد مشترک بشری است که در قالب رسوم، آیین‌ها و ادبیات متجلی شده است.

### نوروز؛ روایت وحدت در کثرت

نوروز، با ثبت در فهرست میراث فرهنگی ناملموس یونسکو، نه تنها یک نماد، بلکه گواهی بر پیوند هویت‌های گوناگون در بستری مشترک است. این جشن که ریشه در چرخه کیهانی و باززایی طبیعت دارد، یادآور آن است که تنوع فرهنگی، نه عاملی برای گسست، بلکه تجلی‌گاه همگرایی در وحدتی متعالی است. گستره آیین‌های نوروزی، از سفره هفت‌سین تا آیین‌های پاکسازی و دید و بازدید، نشانگر پویایی فرهنگی و استمرار یک آگاهی تاریخی است که اقوام ایرانی‌تبار (تاجیکها، پارسیها و کرد ها) و سایر ملیت‌های فارسی زبان را در فرآیند هزاره‌ها به هم پیوند داده است.

## نوروز؛ بستر دیالوگ بینافرهنگی



مدال طلای محمدرضا شاه پهلوی و ثریا بمناسبت جشن نوروز



سکه یک تومانی رضا شاه پهلوی به مناسبت نوروز نخستین سکه رسمی است که در ایران برای بزرگداشت نوروز ضرب شده.

نوروز، نه تنها یک آغاز تقویمی، بلکه زمانی برای تأمل در هویت مشترک بشری و گسترش دیالوگ بینافرهنگی است. این آیین، بستری برای گفت‌وگو، درک متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم می‌آورد و به وسیله ارزش‌های بنیادین خود همچون صلح، دوستی و احترام به طبیعت، می‌تواند مبنایی برای تدوین اخلاق جهانی باشد.



اولین فستیوال نوروز در دهلی نو 1394

در فرهنگ ایرانیها، نوروز نه فقط در طبیعت، بلکه در زبان و ادبیات نیز بازتاب یافته است.

فردوسی :

چو خورشید تابان میان هوا	نشسته بر او شاه فرمانروا
جهان انجمن شد بر تخت او	شگفتی فرو مانده از بخت او
به جمشید بر گوهر افشاندند	مران روز را «روز نو» خواندند
سر سال نو هرگز فرودین	بر آسوده از رنج روی زمین

حافظ :

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی  
از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی

مولانا :

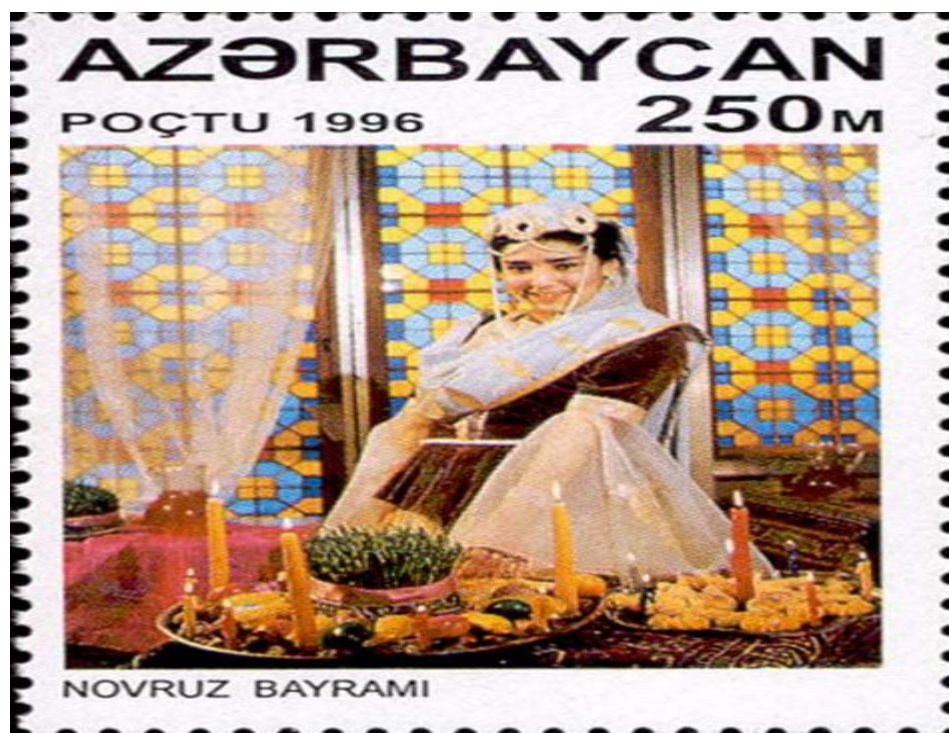
بیا که نوبهار است و جهان شد گلستانی  
به شادی جان برافروزیم همچون شمع نورانی  
نوروز رخت دیدم و خوش اشک بباریدم  
نوروز و چنین باران باریده مبارک باد

سعدی :

برآمد باد صبح و بوی نوروز  
به کام دوستان و بخت پیروز  
مبارک بادت این سال و همه سال  
همایون بادت این روز و همه روز  
نظامی :

بهار آمد که گلرخسار گردد  
هوای سبزه خوشرفتار گردد

این جشن همواره در کلام چامه سرایان، تجلی گر مفاهیمی چون نوزایی، دوستی و بازگشت به خویشتن بوده است. واژگان و گزارش نوروزی، فراتر از یک سنت زبانی، به گونه حافظه‌ای فرهنگی و هویتی، پیوند میان اقوام را ژرفتر ساخته و مرزهای سیاسی را درنور دیده است.



تمبر نوروزی در آذربایجان

### نوروز؛ پیوند انسان و کیهان

در فلسفه نوروز، جهان نه یک دستگاه ایستا، بلکه چرخه‌ای از زایش و دگرگونی است که انسان نیز بخشی از آن به شمار می‌رود. این آیین، ما را به تأمل در جایگاه خویش در این

چرخه واداشته و به ارزش‌هایی همچون نو شدن، گذشت، آشتی و همبستگی رهنمون می‌سازد. در دنیای پرآشوب پیشرفته، نوروز می‌تواند الهام‌بخش گفت‌وگوهای باشد که به سوی امنیت و همزیستی پایدار حرکت می‌کنند.

## فرجام سخن

نوروز، نه تنها یک جشن، بلکه یک آموزه است؛ ارزشی که با گذر از نسل‌ها، همچنان پیام‌آور تولد دوباره، پیوستگی و خرد همگانی است. این آیین، چراغی است که انسان را به بازاندیشی در پیوندهای خویش با دیگری و با هستی فرامی‌خواند و یادآور این راستی است که همبستگی، نه یک امکان، بلکه نیازی برای بقا و الای بشر است. همیشه سبز باشید.